



نامبر فکوهی
عضو هیئت تحریریه
دانشگاه تهران
مدیر موسسه
انسان‌شناسی و فرهنگ

چرا اقلیت‌ها و زنان ممکن است به کلیتون رأی ندهند؟

دو روز پیش از انتخابات آمریکا بی‌آن‌که خواسته باشیم از رویکرد علوم اجتماعی، به استدلال‌های پیش‌بینی‌کننده برسیم، بر آنیم که نشان دهیم احتمال آنکه شاهد انتقال گسترده آرای زنان و اقلیت‌های قومی به سوی کلیتون باشیم، چندان قوی و مطمئن به نظر نمی‌رسد.

ابتدا باید این پرسش را مطرح کنیم که چرا اصولاً باید چنین انتقالاتی صورت بگیرد؟ پاسخ برای کسانی که در ماه‌های اخیر این کارزار را دنبال می‌کنند و اظهارات رسوا و بی‌آبروی ترامپ را می‌شنوند، به نظر کاملاً روشن می‌آید. در حقیقت ترامپ در کارزار خود همه مرزهای اخلاق، آبرو، حیثیت و... را نسبت به همه ارزش‌ها از حقوق اقلیت‌ها گرفته تا بیماران جسمانی و افراد ناتوان، از مخالفان سیاسی خود گرفته تا بویژه زنان، زیر پا گذاشته است.

مردم آمریکا که بسیاری از آنها به اخلاق و دین و تربیت فرزندان خود اهمیت زیادی می‌دهند، بارها و بارها ناچار بوده‌اند کودکان خود را از رادیو و تلویزیون دور کنند تا اظهارات ترامپ را نشنوند.

با وجود این، یک «امریکای دیگر»، یک امریکای فقر زده، گرسنه، وحشت زده از فشارهای سرمایه‌داری نولیبرالی، یک امریکای عمیق که از اظهارات سیاستمداران حرفه‌ای و فاسد خسته شده است، همچون غربی در دریا، حاضر است خود را به هر تخته چوبی شکسته بیاویزد تا شاید در آن راه نجاتی بیابد، در پشت ترامپ قرار گرفته است؛ امریکایی‌هایی که خود را در شیوه حرف زدن او با تعدادی معدود کلمه‌های ساده، راحت احساس می‌کنند.

این امریکایی‌ها از اظهارات عامیانه و زشت (اما رایج میان خود) شوکه نمی‌شوند، اما برعکس میانه چندان بی‌تعداد بی‌شماری اعداد و ارقام و پیش‌بینی‌های علمی، با تمام اظهارات متخصصان درباره محیط زیست، لزوم تغییر شیوه زندگی و پیچیدگی جهان، ندارند. آنها تنها فقر و خشونت روزمره، از دست رفتن مشاغل، بیکاری و مفروض شدن بیش از پیش خود را می‌بینند و البته باور ندارند که این‌ها حاصل نظام سرمایه‌داری وحشی‌ای است که بر آنها حکومت می‌کند، بلکه بر آن هستند که این‌ها توطئه «مسلمانان تروریست» و همه دشمنان آمریکا هستند و بنابراین با نیروی اراده یک میلیarder «موفق» می‌توان همه مشکلات را بر سرعت حل کرد.

از این روانتقال ساده و بی‌دردسر و خودکار آرای اقلیت‌ها، زنان و سایر کسانی که مورد حملات ترامپ در طول دوره انتخاباتی بوده‌اند، به هیلاری کلیتون چندان ساده به نظر نمی‌رسد. نباید فراموش کرد که کلیتون نمادی واقعی از همه نفرت‌هایی است که مردم، در فقیرترین و محروم‌ترین اقشارشان از نظام حاکم بر این کشور دارند. مردم، قدرت نظامی و بودجه‌های سرسام‌آورش را می‌بینند که هر روز بخش بزرگتری از درآمد این کشور را می‌بلعد و امروز دیگر به مراقبت و تنبیه دیگران اکتفا نکرده و در حال تبدیل کردن آمریکا به یک حکومت نظامی شبه فاشیستی و کاملاً زیر کنترل پلیس و ارتش است.

مردم، جیب‌های خالی‌شان را می‌بینند و اینکه هر روز بیشتر و بیشتر



Women for Trump

مفروض می‌شوند، اینکه ممکن است هر لحظه به دلیل یک بیماری، به دلیل از دست دادن شغلشان، یا هر حادثه‌ای دیگر به فلاکتی مطلق بیفتند و همه چیزشان را از دست داده و در خیابان انداخته شوند. مردم این را می‌بینند که چطور شهریه مثل دیترویت به فنا رفت و زیر بار سرمایه‌های مالی به ورشکستگی مطلق کشیده شد و چطور این سناریو در صدها شهر دیگر آمریکا قابل تکرار است.

مردم این را می‌بینند که «کوسه‌های وال استریٹ» هر روز قربانی تازه‌ای می‌گیرند، می‌بینند که یک عمر پس اندازهایشان برای دوران پیری می‌تواند در یک شب به باد رود و حتی کسی چون اوپاما که امیدهایی بسیار را برانگیخت در نهایت بازی وال استریٹ را انجام داد و بخش بزرگی از بودجه‌های دولتی را صرف جبران خسارت بانک‌هایی کرد که میلیون‌ها نفر از افراد طبقه متوسط را در آمریکا به فقر مطلق کشانند و برعکس، کوچکترین قدمی (جزراندگی برای بیمه پزشکی) از خود مایه نگذاشت. مردم می‌بینند که چطور اوپاما با نمادهایی ارزشمند با استناد به لوئر کینگ و مالکوم ایکس بر سرکار آمد و در نهایت هنوز و هر چه بیشتر سیاهان در آمریکا موضوع تمام تبعیض‌ها هستند؛ زندان‌ها آنقدر از سیاهان است و محله‌های فقیرنشین سیاه و هیسپانیک هر روز در فقر بیشتری فرو می‌روند.

مردم می‌بینند که چطور پلیس آمریکا بدون آنکه حتی یک بار محکوم شود بارها و بارها جوانان سیاه پوست را یا شلیک از پشت به قتل رسانده است و در برابر حیرت شاهدان و خانواده‌هایشان در مقابل رأی مثبت دادگاه، رئیس جمهوری سیاه پوستشان هیچ نکرده است.

اقلیت‌های قومی و نژادی در آمریکا شاهد آن هستند که دوره «دموکراسی» اوپاما یکی از خشونت‌نازترین دوره‌ها علیه آنها بوده است، همان‌گونه که همه بخوبی می‌بینند که آمریکا بدون وقفه در هشت سال گذشته در جنگ علیه این یا آن کشور بوده است. و امروز حزب دموکرات، نامزدی چون کلیتون را در برابر ترامپ مطرح می‌کند که به صورت آشکار و کامل به وسیله کارتل‌های نظامی و وال استریٹ حمایت می‌شود.

در این میان، شاید بسیار باشند روشنفکران و اندیشمندی که معتقدند در دست هم می‌گویند که مسأله امروز دیگر نه انتخاب شدن کلیتون و تداوم سیستم پیشین، بلکه جلوگیری به هر قیمت از انتخاب شدن، دیوانه‌ای به نام ترامپ است که صلح داخلی را بر هم خواهد ریخت و جهان را نیز به سوی خشونت‌هایی غیر قابل تصور خواهد برد. اما دراینکه این صداهای روشنفکرانه برای مردمی که سال‌ها سال است هر گونه هوشمندی و تربیت و رفاه از آنها سلب شده، برای ۹۹ درصدی که از ثروت این کشور به سود یک درصد ثروتمندان محرومند، شنیده شود، چندان زیاد نیست.

از این رو، هر چند امکان پیروزی کلیتون به باور ما بالا است (به دلیل حمایت نظام سیاسی و نتخبگان و روشنفکران و دانشگاهیان و... از او)، اما اینکه انتظار داشته باشیم مردم فقیر و اقلیت‌ها امروز با همان خوش‌خیالی آغاز دوره اوپاما، رأی‌های خود را برای کلیتون به صندوق بزنند، بسیار کم است. هر چند که می‌توان همیشه آرزو کرد چنین باشد زیرا در این صورت میزان مانور ریاست جمهوری کلیتون در خشونت‌طلبی و تداوم فشار بر اقلیت‌ها کمتر خواهد شد.



دکتر مجید رضائیان، استاد دانشگاه در تحلیل انتخابات ۲۰۱۶ آمریکا مطرح کرد

جنگ رسانه‌ای «خاص» برای انتخابات «خاص»

کبری آکیش

یکی از وجوه اساسی و تأثیرگذار در رقابت‌های انتخاباتی در تمام کشورهای رسانه‌ها هستند و از آنجا که ابزارهای رسانه‌ای در عصر کنونی با سرعت وصف‌ناپذیری رشد می‌کند و شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان جدیدترین و مردمی‌ترین رسانه‌های امروزی در سطح بین‌المللی جای خود را باز کرده‌اند، نقش آنها را در رخدادهای مهمی نظیر انتخابات مختلف می‌توان بررسی کرد. در همین راستا، دکتر مجید رضائیان، استاد دانشگاه و پژوهشگر ژورنالیست در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه ایران به تحلیل رقابت‌های انتخاباتی ۲۰۱۶ آمریکا و تأثیر رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در این رقابت‌ها پرداخته است که در ادامه می‌خوانید.

■ **جنگ رسانه‌ای بی‌سابقه‌ای که در این دوره از رقابت‌های انتخاباتی آمریکا بین کاندیداهای اصلی دو حزب دموکرات و جمهوریخواه در گرفته و به شبکه‌های اجتماعی بویژه توئیتر تشدید شده است را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

از دو وجه می‌توان این مسأله را تحلیل کرد. وجه نخست اینکه، رقابت‌های انتخاباتی دونالد ترامپ، کاندیدی حزب جمهوریخواه و هیلاری کلینتون، کاندیدی حزب دموکرات سازماندهی شده است و طبیعی است که کاندیداها به خاطر آرای نزدیکی که دارند، نقاط ضعف همدیگر را مطرح کنند و این مسأله هم بازتاب رسانه‌ای رقابت‌ها را بالا ببرد. مطرح کردن نقاط ضعف، تا اندازه‌ای که کاندیداها حتی به مسائل خصوصی و شخصی همدیگر بپردازند، باعث شده این رقابت فشرده تنها در فضای رسانه‌ای واقعی و

حذف او با ابهاماتی همراه بود. در حالت عادی وقتی رویدادی مانند انتخابات بازناب زیادی پیدامی‌کند، گفته‌می‌شود این بازناب، نشانه مشارکت بالا خواهد بود اما در آمریکا بعضی از پیش‌بینی‌ها این است که مردم دلسرد شده‌اند و واکنش‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی مردم آمریکا نشان می‌دهند در دفاع از یک کاندیدی نیست بلکه بعضی از این توییت‌ها و واکنش‌ها ارائه نظرهایی است مبنی بر اینکه چرا آمریکا باید نامزدهایی داشته باشد که تا این اندازه نقطه ضعف داشته باشند. طبیعی است برخی از اظهارنظرها در شبکه‌های اجتماعی مربوط به طرفداران سنتی دموکرات‌ها و جمهوریخواهان باشد اما در تحلیل اینکه چرا رقابت‌های انتخاباتی آمریکا تا این حد به شبکه‌های اجتماعی مرتبط شده باید گفت، احتمالاً به خاطر داغ‌تر شدن فضای انتخاباتی و احیای مشارکت مردمی است.

■ **آیا حضور یک شخصیت پوپولیستی مانند ترامپ در رقابت‌های انتخاباتی نمی‌تواند یکی از دلایل کشیده شدن جنگ رسانه‌ای کاندیداها به شبکه‌های اجتماعی باشد؟**

من این تحلیل را نفی نمی‌کنم اما در عین حال باید به یاد داشته باشیم که ۳ محور از حرف‌های ترامپ بازتاب بالایی داشته؛ نخست، اظهارات او درباره

قراردادهای نفتی آمریکا با کشورهای نظیر چین، ژاپن و کره و اینکه چرا باید آمریکا چنین قراردادهایی ببندد و اجازه دهد این کشورها به جای استفاده از نیروی انسانی آمریکایی بیشتر از نیروی انسانی خود استفاده کنند و بیکاری در تگزاس و ایالت‌های جنوبی که نفت خیز هستند، افزایش یابد و ثروت این ایالت‌ها به کشورهای خارجی منتقل شود. این اظهارات در ایالت‌های جنوبی بازتاب بالایی داشته و اکثر کسانی که بیکار هستند تمایل پیدا کرده‌اند در صورت شرکت در انتخابات، به ترامپ رأی دهند.

محور دوم حرف‌های ترامپ که بازتاب گسترده‌ای داشت، در بحث سیاست خارجی درباره داعش است. اومی‌گوید چرا آمریکا به جای ایستادن در جبهه حذف داعش به دنبال حذف بشار اسد، رئیس جمهوری سوریه است. او معتقد است، در مبارزه با داعش، بُرد با روسیه و



ساختگی و کنترل شده بوده، از یک جانی به بعد از کنترل خارج شده و ممکن است الان تلاش‌هایی برای این مسأله که این جنگ رسانه‌ای ابعاد گسترده‌تری پیدا نکند، در حال انجام باشد. اگر چه در روزهای آخر به طور قطع این افشاکاری‌ها و جنگ رسانه‌ای شدیدتر هم خواهد شد. ■ **بازتاب رقابت‌های انتخاباتی آمریکا در سطح بین‌المللی نیز بالا بوده و اکثر کشورهای تحولات این انتخابات را به دقت رصد می‌کنند، دلیل این اندازه حساسیت بین‌المللی چیست؟**

در خارج از آمریکانیز بازتاب رقابت‌های انتخاباتی آمریکا در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های رسمی بالا بوده و دنیا به سرنوشت آمریکا بسیار حساس شده است. بیشتر تحلیل‌ها در این باره است که آیا سیاست خارجی رئیس جمهوری بعدی آمریکا (کلیتون یا ترامپ) مانند سیاست خارجی دوره اوپاما خواهد بود؟ در دوره

«واکنش‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی مردم آمریکا نشان می‌دهند در دفاع از یک کاندیدی نیست بلکه بعضی از این توییت‌ها و واکنش‌ها ارائه نظرهایی است مبنی بر اینکه چرا آمریکا باید نامزدهایی داشته باشد که تا این اندازه نقطه ضعف داشته باشند»

اوپاما سیاست خارجی آمریکا از یک روال، قاعده و منطقی برخوردار بود. وضعیت اقتصادی جهان پس از دولت اوپاما، نیز از دغدغه‌های مردم آمریکا و بسیاری از کشورهاست. از آنجایی که عربستان سعودی، چین و ژاپن سرمایه‌گذاری‌های سنگینی در بورس آمریکا کرده‌اند، این سؤال پیش می‌آید که اگر بحران اقتصادی عربستان ادامه یابد یا روابط دولت بعدی آمریکا با چین و ژاپن سرد شود و این کشورها بخواهند سرمایه‌های خود را از بورس آمریکا خارج کنند، سرنوشت اقتصاد آمریکا چه خواهد شد.

■ **تردیدها درباره نتیجه این انتخابات و اینکه کدام کاندیدا پیروز می‌شود هم بسیار بالاست، پیش‌بینی شما درباره کاندیدی پیروز چیست؟**

شواهد نشان می‌دهد، عقل کلی که پشت صحنه انتخابات آمریکا است یا کمسیون سنه‌سنه در آمریکا (آرای الکترال) نمی‌گذارد ترامپ رأی بیابود. امکان دارد ترامپ رأی مردمی را بیابود اما الکترال‌ها نمی‌گذارند ترامپ رئیس جمهوری شود زیرا اگر ترامپ رئیس جمهوری شود آمریکا از جلاچوب عادی و متعارف خارج می‌شود. به همین دلیل همه تلاش می‌کنند تا کلیتون رأی بیابود. با وجود این باز هم نمی‌توان نظر قطعی داد.

تبلیغات ریاست جمهوری به سبک امریکایی؛ از مناظره تا مناظره

دکتر علی گرانمایه پور
استاد علوم ارتباطات و روزنامه‌نگاری

باز نزدیک شدن به روز انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا و جناح دموکرات و جمهوریخواه‌س از این‌سال سه دور مناظره؛ جنگ تبلیغاتی جدیدی به نام «نظرسنجی» را آغاز کرده است. طبق آخرین نظرسنجی تا ۱۳ اکتبر ۲۰۱۶ نامزد دموکرات هیلاری کلیتون به دلیل آغاز مجدد تحقیقات F.B.I درباره ایمیل‌های وی ۲ درصد از آرا، خود را از دست داده است و رسانه‌های بخش لحظه‌به‌لحظه نتایج نظرسنجی مراکز نظرسنجی مختلف به دنبال پیگیری چگونگی سبقت گرفتن نامزدها از یکدیگر هستند. از ۶ ماه قبل که فراخوان‌های انتخاباتی دو جناح رقیب در آمریکا آغاز شد، باور کارشناسان رسانه‌ای بر این بود که در این دوره از انتخابات نامزدها با استفاده از روش‌های جدید تبلیغاتی بویژه مزیت شبکه‌های اجتماعی شکل‌های نوینی از تبلیغات را به نمایش می‌گذارند، اما به یکباره آغاز پیگم‌گواهی عامیانه و خارج از عرف دیپلماتیک این نامزد همه مردم دنیا و کارشناسان را متعجب کرد و یکبار دیگر پوپولیسم سیاسی جای دفاع از عملکرد را گرفت. در این نوشته ضمن اشاره‌ای کوتاه به ماهیت و کارکرد مناظره، نگاهی هم به تاریخچه آن در آمریکا خواهیم داشت و در پایان نیز به نقاط قوت و ضعف دو نامزد در زمینه‌های تبلیغاتی اشاره‌ای خواهیم داشت.

مناظره در لغت به معنی یا هم نظر کردن، یعنی فکر کردن در حقیقت و ماهیت چیزی است. در واقع به مجادله و نزاع با همدیگر و بحث با یکدیگر درباره حقیقت و ماهیت چیزی مناظره گویند.

برخی مناظره را فن و مهارتی برای به چالش کشیدن رقیب با استفاده از آواژگان اساسی و تأثیرگذار، اطلاعات گسترده، فن بیان و اعتماد به نفس بالا می‌دانند. با نگاهی به سایر تعریف‌های مناظره همه آنها روی یک موضوع تأکید دارند که مناظره یک جدل و منازعه همراه با فن بیان برای بیرون راندن رقیب از صحنه افکار عمومی است. مناظره شکل‌های مختلف دارد از جمله مناظره عملی (مباحثه)، مناظره تجاری (مذاکره) و مناظره سیاسی (جدل) که در این نوشته منظور ما دقیقاً اشاره به جدل است که گاهی تا منازعه و زد و خورد نیز ادامه می‌یابد.

■ **نقش رسانه در مناظره‌های سیاسی**
فراخ از اینکه در مناظره‌های سیاسی استفاده از چه نوع رسانه‌هایی بهتر است؛

جمهوریخواه انتخابات ریاست جمهوری از طریق رادیو پیش شد.

■ **نگاهی به نخستین مناظره تلویزیونی و رادیویی انتخابات آمریکا**

نخستین مناظره تلویزیونی و رادیویی انتخابات آمریکا در سال ۱۹۶۰ بین ریچارد نیکسون از حزب جمهوریخواه و جان اف. کندی، نامزد حزب دموکرات‌ها برگزار شد. در شرایطی که کندی کاملاً آماده بود در تمام طول مناظره رو به دوربین (و نه خبرنگاران) سخن می‌گفت، نیکسون دست‌پاچه و رنگ‌پریده به نظر می‌رسید.

بعداً بررسی‌ها و تحقیقات علمی نشان داد آن‌هایی که از رادیو به این مناظره گوش داده بودند، به دلیل لحن صدای نیکسون و آن‌هایی که از طریق تلویزیون به تماشای مناظره نشسته بودند، کندی را به خاطر زیبایی چهره و شادمانی و توانایی بیان زبانی کلمات، برنده مناظره آن روز دانستند؛ در نهایت هم کندی پیروز انتخابات ریاست جمهوری شد.

■ **دونالد ترامپ یا هیلاری کلیتون؛ کدام برنده است؟**

قیل از ۶ ماه سپتامبر خبری از سوی رسانه‌های طرفدار جمهوریخواهان در آمریکا منتشر شد که هیلاری کلیتون با استخدام یکی از مدیران و کارشناسان زنده شرکت گوگل به دنبال استفاده از قوی مناظره در فراخوان انتخاباتی، داشتن شبکه‌ای از رسانه‌های جمعی و فردی برای ایجاد فضای مناسب برای انتشار مطالب، جایگاه مطلوب در نزد افکار عمومی و... باشد. نخستین مناظره تاریخ آمریکا، مناظره آبراهام لینکلن و استافان داگلاس هنگام رقابت بر سر کسب کرسی نمایندگی سنا از ایلینوی در ۱۸۵۸ میلادی بود. انتخابات ۱۵ دوره بعدی ریاست جمهوری آمریکا بدون مناظره برگزار شد تا اینکه در سال ۱۹۴۸، مناظره مقدماتی رقابتی درای نقاط قوت و ضعف از لحاظ سابقه

دو نامزد را به دنبال خواهد داشت. ■ **هیلاری و زنان مسن و دختران جوان؛ ترامپ، لابی‌های قدرت و ثروت**

در این دوران از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا رسانه‌های جمهوریخواهان با برجسته‌سازی بیماری و سن بالای کلیتون به دنبال ریزش آرا بودند و در مقابل دموکرات‌ها در تبلیغات خود با بزرگنمایی ثروت ترامپ و ی رانمایند صاحبان قدرت و ثروت معرفی کردند. هیلاری کلیتون با استفاده از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی و تبلیغات حضوری در سخنرانی‌ها و فراخوان به دنبال رأی خاموش زنان سالخورده آمریکایی و دختران جوان بود که در این زمینه موفق به نظر می‌رسد. از سوی دیگر ترامپ نیز با حضور در ایالت‌هایی که به طور سنتی حامی دموکرات‌ها هستند به دنبال رأی دامداران، کشاورزان، فعالان خرده‌پا و عمده‌امریکایی بود که در دوران اوپاما به دلیل سیاست‌های اقتصادی او متضرر شده بودند. ترامپ علاوه بر این با اعلام حمایت علنی از دولت اسرائیل و شخص نتانیاهو،



Reuters

صریحاً از لابی‌های اسرائیل نیز حمایت کرده تا بتواند مانند بسیاری از رؤسای جمهور آمریکا از ظرفیت‌های اقتصادی و سیاسی آنها در پیروزی استفاده کند.

یک از نامزدهای این دوره از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا به ریاض سفید می‌رسند، فقیر ساخت است. زیرا فراخوان تبلیغاتی ترامپ و کلیتون برای دقیقه ۹۰ ممکن است فضای انتخابات را دگرگون کند. همچنین بررسی محتوای ایمیل‌های همسر سابق هم‌عابدین یکی از مشاوران آمریکایی و دختران جوان بود که در این زمینه موفق به نظر می‌رسد. از سوی دیگر حامی تبلیغات ترامپ نیز با حضور در ایالت‌هایی که به طور سنتی حامی دموکرات‌ها هستند به دنبال رأی دامداران، کشاورزان، فعالان خرده‌پا و عمده‌امریکایی بود که در دوران اوپاما به دلیل سیاست‌های اقتصادی او متضرر شده بودند. ترامپ علاوه بر این با اعلام حمایت علنی از دولت اسرائیل و شخص نتانیاهو،